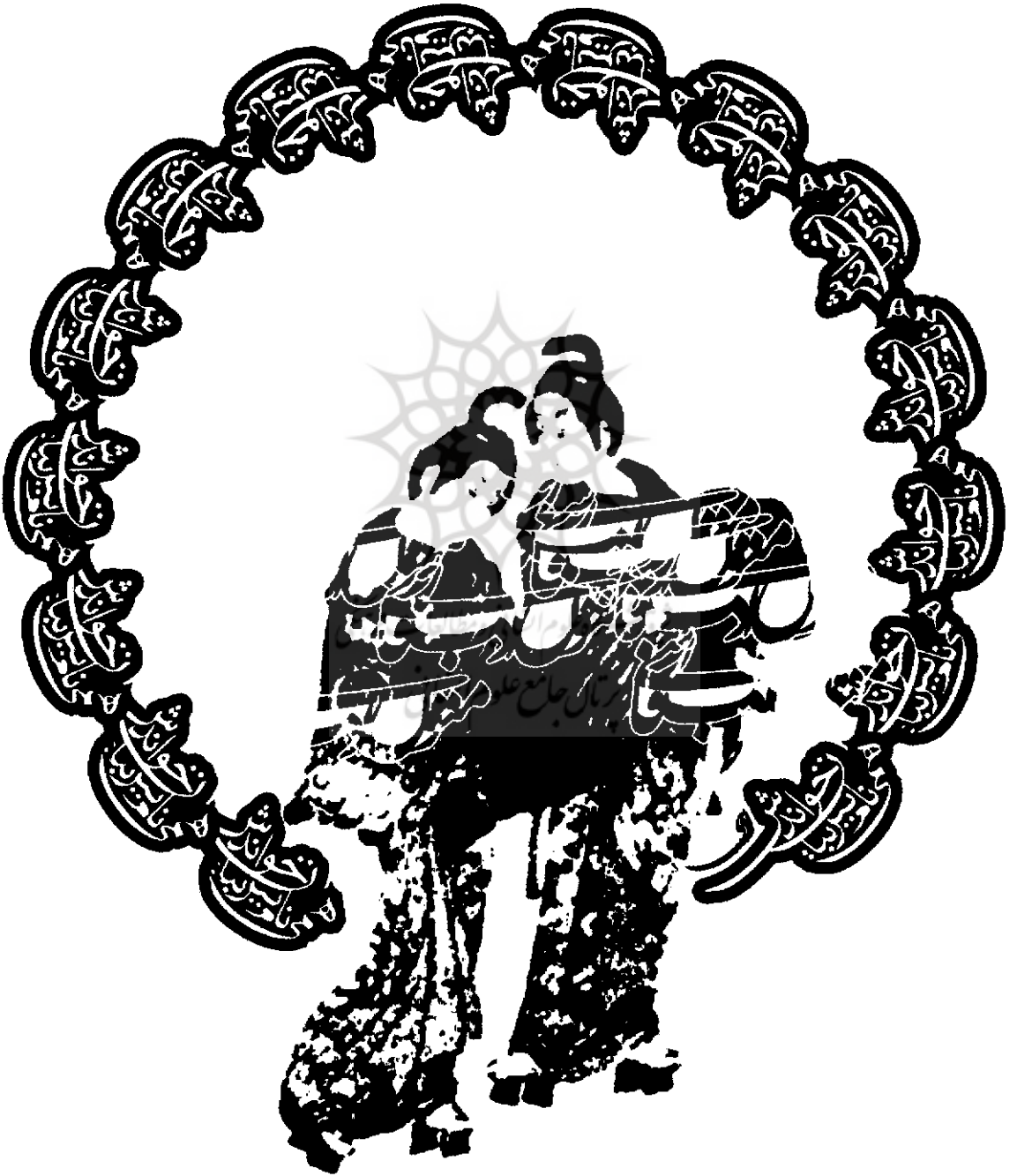


مقام



تحقیقات و مطالعات اساتید ژاپنی در زمینه زبان و ادب فارسی از دهه ۱۹۲۰ تا دهه ۱۹۸۰

نویسنده: موریو فوجی (Morio Fujii)

مترجم: محمد رسول الماسیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه مترجم

در اسفندماه ۱۳۸۲ فرصتی دست داد که از بخش زبان فارسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو دیدار و با آقای موریوفوجی یکی از اساتید برجسته آن مرکز ملاقات نمایم. آقای فوجی که با جذابیت خاصی به زبان فارسی صحبت می کرد، تاریخچه تشکیل بخش زبان فارسی در آن دانشگاه و شیوه آموزش زبان فارسی و نحوه آشناسازی دانشجویان با فرهنگ ایران را به اجمال توضیح داد. او یکبار در سال ۱۳۵۵ و بار دوم در ۱۳۶۸ از ایران دیدار کرده که در سفر دوم قریب یکسال در ایران ماندگار و با تعدادی از ادبای سرشناس کشورمان مأنوس بوده است. آقای فوجی اظهار داشت که از بدو تأسیس بخش زبان فارسی در دانشگاه مطالعات

خارجی توکیو، همواره یک استاد مدعو که زبان مادری اش فارسی بوده در آن بخش حضور داشته و نام همه آن اساتید را طی ۲۵ سال گذشته، که معمولاً از ایران بوده‌اند، برشمرد. ایشان در پایان این ملاقات آخرین مقاله خود را در مورد تحقیقات و مطالعات انجام شده در ژاپن دربارهٔ زبان و ادب فارسی، که به زبان انگلیسی و در مجلهٔ شرق (orient) به چاپ رسیده بود، در اختیار اینجانب قرار داد که بدین وسیله ترجمه فارسی آن برای استفاده علاقه‌مندان تقدیم می‌گردد.

۱- رویکرد زبان‌شناسانه به فارسی مدرن (فارسی نوین) و ادبیات آن

در ژاپن، تحقیق در مورد زبان و ادب فارسی عصر اسلامی، از اوائل دهه ۱۹۲۰ با تحقیقات آکادمیک یکی از اساتید که علاقه زیادی به زبان‌شناسی تاریخی داشت آغاز شد. کتاب «ملاحظاتی به تاریخ ادب فارسی» (۱۹۲۲) به قلم شیگرو آراکی زبان‌شناس و شاگرد ویلیام جکسون، استاد زبان‌های ایرانی و سانسکریت دانشگاه کلمبیا، اولین معرفی سیستماتیک ادبیات فارسی به مردم ژاپن محسوب می‌شود. آراکی در این کتاب، برای اولین بار در ژاپن، مروری تاریخی بر زبان و ادب فارسی از دوران قبل از اسلام (هخامنشی‌ها) تا عبدالرحمن جامی، آخرین شاعر فارسی عصر تیموریان داشته است. آراکی همچنین مطالبی در مورد رباعیات عمر خیام (۱۹۲۰) به زبان ژاپنی به چاپ رسانده است.

تحقیق زبان‌شناسانه ژاپنی‌ها دربارهٔ زبان فارسی در عصر اسلامی (فارسی مدرن) در مقایسه با تحقیقات انجام گرفته مربوط به دوران ماقبل اسلام ضعیف بوده است. به عنوان مثال، مرور زبان فارسی در تقویم تاریخ، توسط آتسوجی آشی کاگا (۱۹۶۴) و رویکرد کیگونودا به «فارسی مدرن» (۱۹۸۸)، تحقیقات ارزشمندی هستند که بر بعضی ابعاد زبان‌شناسانه تأکید ورزیده و ساختار دستوری «فارسی مدرن» را بر مبنای زبان‌شناسی و از زاویه ایران‌شناسی معرفی کرده‌اند. به هر حال «فارسی مدرن» به خودی خود موضوع اصلی این گونه تحقیقات نبوده است.

در این زمینه لازم است به کار کامتارتو یاگی اشاره شود. یاگی با تجربه‌ای که در زمینه زبان‌شناسی داشت، مطالعات و تحقیقاتی جدید در زبان‌شناسی با تأکید بر «فارسی مدرن» (فارسی کلاسیک و مدرن در دورهٔ اسلامی) و ادبیات آن ارائه کرد. در مقالات او برای اولین بار تحلیل سیستماتیک از موضوعات زبان‌شناسی فارسی

مدرن ظاهر شد، مانند «زبان محاوره‌ای فارسی معاصر» (۱۹۵۹)، «اصول واژه‌های قرضی فارسی مدرن» (۱۹۶۴)، «تحقیق واژگانی در کتب درسی رسمی فارسی مدرن» (۱۹۶۴).

بررسی‌های آکادمیک یاگی در مورد ادبیات فارسی مانند «ترجمه دیگری از گلستان» (۱۹۵۳) و «مجموعه‌ای از ادبیات داستانی: دورنما و شعبه‌های داستان فارسی» (۱۹۶۱) به خوبی رویکرد محکم و کاملاً علمی او را به کتاب‌هایی که در مورد «فارسی مدرن» نگاشته شده توضیح می‌دهد. با مقالات او تحقیق آکادمیک در مورد ادبیات فارسی، در معنی خاص آن، آغاز شد و شکل گرفت.

در خصوص رویکرد زبان‌شناسانه به متون ادبی فارسی لازم است به تحقیق ایچی ایموتو در مورد سیستم شاهنامه خوانی اشاره شود که تحقیقی بهره‌مند از شیوه‌های علمی بوده است (۱۹۵۹).

مقاله توضیحی شوچی ماتسوشیتا با عنوان «لهجه تهرانی» (۱۹۷۰) اولین گام در ژاپن برای شناخت لهجه‌های زبان فارسی بوده است. تحقیق میدانی کوچی کامی اوگا در مورد «لهجه لارستانی» (کامی اوگا، یامادا، ۱۹۷۹) باید به عنوان اصیل‌ترین مشارکت اساتید ژاپنی در این زمینه شناخته شود.

زبان‌های افغانی (پشتو و دری) اضافه بر زبان فارسی توجه خاص اساتید دانشگاهی ژاپنی را به خود جلب کرد. بعد از مطالعات تاکیشی کاتسوفوجی در مورد مردم پشتو و زبان آنها (۱۹۶۴) اولین کتاب کامل دستور زبان پشتو در ژاپن توسط تتسو ناواتا (۱۹۸۵) که متخصص زبان‌های افغانی بود تألیف شد.

۲- معرفی «فرهنگ ایرانی» از طریق ترجمه متون ادبی کلاسیک فارسی

از ابتدای آشنایی با فرهنگ ایرانیان، عمر خیام مورد توجه ویژه اساتید ژاپنی قرار گرفته است. شاعر و فیلسوفی که با رباعیاتش که شبیه به جهان‌بینی بدبینانه بودیستی است، شهرت جهانی کسب کرد. در میان ترجمه‌های رباعیات به زبان ژاپنی، ترجمه ریوساکو اوگاوا که بر مبنای نسخه بازبینی شده صادق هدایت، نویسنده ایرانی، انجام گرفته (ترانه‌های خیام ۱۹۳۴) بیشترین شهرت را در ژاپن کسب کرده است. طی پنجاه سال گذشته تعداد زیادی متون ادبی کلاسیک فارسی به ژاپنی ترجمه شده‌اند. متن گلستان توسط ایزوساوا (۱۹۵۱) به ژاپنی ترجمه شد و در ۱۹۶۴ ترجمه معتبر و مقبولی

به زبان ژاپنی از این کتاب مشهور فارسی با عنوان «گلستان، داستانی روشنفکرانه از ایران قرون میانی» توسط ریچی گامو انجام پذیرفت. گامو که بدون شک از پیشگامان این امر در ژاپن بود دو مقاله در مورد این متن فارسی نوشته است (۱۹۵۲، ۶۳). لازم است اشاره شود که گامو نیز تاریخ ادبی ایران را بر مبنای زمینه‌های فرهنگی، به رشته تحریر درآورده است (۱۹۴۱). این کتاب، ارزشمندترین و بزرگترین تلاش بعد از آراکی، برای نگارش تاریخ فرهنگی و ادبی ایران اسلامی توسط یک تحصیل کرده ژاپنی است.

یکی از شاگردان گوما به نام تسونئو کوریاناگی در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو از شخصیت‌های بسیار فعال در این زمینه بوده است. او قابوس نامه و چهار مقاله (۱۹۶۳) و هفت پیکر (۱۹۷۱) را ترجمه کرد و مهمتر از همه، ترجمه غزل‌های حافظ در نسخه قزوینی (۱۹۷۷) از اصل فارسی به ژاپنی بوده است. با ترجمه اینگونه متون کلاسیک فارسی راه برای مطالعه ادبیات فارسی بسیار مهیاتر شد و کسب آشنایی با جوهره فرهنگ فارسی برای ژاپنی‌ها آسانتر گردید. امیکو اوکادا که در دانشگاه تهران زبان و ادبیات فارسی آموخته بود، اشعار حماسی عشقی فارسی، مخصوصاً خسرو و شیرین (۱۹۷۷) و لیلی و مجنون (۱۹۸۱) نظامی و ویس و رامین گورکانی (۱۹۹۱) را به ژاپنی بسیار روان و جذاب ترجمه کرد. بخش‌های مشهوری از شاهنامه، کتاب بزرگ شعر حماسی، توسط کوریاناگی و اوکادا به ژاپنی ترجمه شد. اخیراً گزیده‌هایی از تذکرةالاولیاء عطار، کتاب عرفانی مشهور فارسی، توسط موریو فوجی به ژاپنی برگردانده شده است. همه ترجمه‌های متون ادبی کلاسیک فارسی در واقع نقش معرفی آکادمیک فرهنگ ایرانی توسط اساتید ژاپنی را نیز ایفا می‌کردند. اساتیدی که با درکی عمیق از محتوای فرهنگی به آنها علاقه می‌ورزیدند.

کوریاناگی و اوکادا در مقالات خود موضوعات ادبی مربوط به ایران قرون میانی را مورد بحث قرار داده‌اند. مقاله اوکادا با عنوان «چهره زن در حماسه‌های عاشقانه ادبیات کلاسیک فارسی» (۱۹۸۵) نشان توجه عمیق و خاص او به ادبیات فارسی بود. «تاریخ ادبیات فارسی» به قلم کوریاناگی بحث‌های خود را نه تنها بر نظریات شرق‌شناسان اوائل قرن بیستم، بلکه بر مطالعات نوین آکادمیک انجام گرفته توسط شماری از اساتید برجسته ایرانی مانند «تاریخ ادبیات ایران» نوشته ذبیح‌الله صفا قرار داد. کتاب کوریاناگی مشهورترین توصیف تاریخی ادبیات فارسی به زبان ژاپنی است.

فرهنگ لغات فارسی ژاپنی او ضمن نقش ویژه‌ای که در آموزش زبان فارسی به ژاپنی‌ها دارد، جایگاه رفیعی در مطالعات آکادمیک در مورد متون فارسی یافته است.

۳- آشنایی با جامعه ایران با مطالعه ادبیات مدرن ایران

در ژاپن دو رویکرد برای مطالعه و تحقیق تألیفات ادبی شماری از روشنفکران



ایرانی عصر جدید، قابل مشاهده است. هیروشی کاگایا ضرورت مطالعه شرایط اجتماعی و سیاسی را برای هر تحقیق ادبی در مورد ایران مدرن مورد تأکید قرار می‌دهد (۱۹۶۲). باید ذکر شود کاگایا اولین تحصیل کرده ژاپنی است که به طور خاص

در مورد احمد کسروی (درگذشت ۱۹۴۶)، روشنفکر ملی‌گرای ایرانی، کتاب نوشته است. به نظر کسروی، با انتقادهایی اصولی که وارد کرد، ادبیات فارسی کلاسیک علت اصلی عقب‌ماندگی جامعه ایران بوده است.

هایدمی هیداکا به شیوه تحقیقی کاگایا در مورد ادبیات مدرن ایران موافق و موقعیت ادبی ایران معاصر را با ارائه اطلاعاتی در مورد جزئیات تغییرات سیاسی از زمان سقوط رضاشاه تا برهه فراز و نشیب‌های نهضت ملی شدن نفت توضیح داد.

کتاب «صادق هدایت و حزب توده» (۱۹۸۳) نوشته هیداکا برای درک سابقه نقادی اجتماعی صادق هدایت و آگاهی‌های سیاسی اجتماعی او در بطن تاریخ سیاسی معاصر ایران مرجع بسیار خوبی است. هیداکا هم چنین بزرگ علوی نویسنده ایرانی را به خوبی معرفی کرده است. با توجه به رابطه نزدیک سیاست و ادبیات در ایران مدرن، اگر کسی بخواهد تحقیق قابل قبولی در زمینه ادبیات ارائه نماید نمی‌تواند نسبت به فهم زمینه‌های سیاسی و اجتماعی متون ادبی بی‌توجه باشد. هر چند دقت نظر نسبت به ابعاد ادبی متون نیز لازم است.

موریو فوجی در خصوص شرایط ادبی برهه انقلاب مشروطه تحقیقاتی در مورد سه روشنفکر برجسته آن عصر ارائه کرده است (۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ - ۱۹۸۷).

صادق هدایت در میان نویسندگان ایران مدرن، به سبب تلاش‌های زیاد کیمی نوری ناکامورا در ترجمه آثارش، بیشترین شهرت را در ژاپن پیدا کرده است. اولین ترجمه ژاپنی بوف کور توسط ناکامورا در سال ۱۹۷۶ عرضه شد. ناکامورا بعداً گلچینی از ترجمه‌های داستان‌های صادق هدایت از جمله بوف کور را منتشر کرد (۱۹۸۳). ناکامورا بر خلاف گرایش موجود در تحقیقات ادبی که بر اهمیت زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تأکید داشت، صادق هدایت را به عنوان روشنفکری اندیشمند معرفی کرد. جلال آل احمد یکی از نویسندگان ایرانی (و منتقد اجتماعی) که نظرات مختلفی در مورد او ارائه شده، با تلاش‌های ارزشمند مینورو یامادا، یکی از متخصصین برجسته ژاپنی در خصوص فرهنگ عامیانه و زبان‌های محاوره‌ای ایران، به ژاپن معرفی شد.

یامادا با ترجمه «نفرین زمین» آل احمد تلاش کرد بعضی موضوعات مهم اجتماعی را که توسط این نویسنده ایرانی مطرح شده مورد توجه قرار دهد (۱۹۸۱). تلاش‌های یامادا قابل تقدیر است که سعی کرد بعضی مشکلات اجتماعی که در ایران معاصر ریشه دوانده را بیان کند و با تحلیل این کتاب داستانی کمک کرد که مشکلات مزبور در

جامعه ژاپن قابل فهم شود. کتاب یوکو کاگاوا (فوجی موتو) در مورد آل احمد (۱۹۸۳) تنها کتابی است که به ژاپنی در مورد زندگی و کارهای آل احمد منتشر شده است. کتب ادبی فارسی فراوانی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به ژاپنی ترجمه شد؛ اما تحقیقات متدولوژیک در مورد ادبیات فارسی به همان میزان در ژاپن شکوفانند. در ژاپن تحقیقات نقادانه‌ای که با جسارت، مباحث جدید متدولوژیک را برای بررسی ادبیات فارسی به کارگیرد، در کنار تلاش‌هایی که برای ایجاد مجموعه‌ای از ترجمه متون ادبی فارسی انجام شده، مورد نیاز می‌باشد.

